

مدیریت فضامند مدرسه

بخش اول

چارچوبی برای ارتقای آموزش و تربیت تمام‌ساختی

سیدمحمد نوروزیان‌امیری، مدرس دانشگاه فرهنگیان مازندران

کلیدواژه‌ها: مدیریت فضامند، تربیت فضامند، مدیریت فضامند مدرسه

طراحی و سازمان‌دهی فضای مدرسه باید به گونه‌ای باشد که بتواند به نیازهای فیزیکی و اجتماعی دانش‌آموزان پاسخ دهد. از این رو، مدیریت فضا در مدرسه باید به عواملی همچون زمان، مکان و شرایط اقتصادی توجه ویژه‌ای داشته باشد. برای مثال، طراحی فضاهایی برای تعامل غیررسمی، نظیر خانه‌های گفت‌وگو، می‌تواند به تقویت روابط اجتماعی و ایجاد محیطی دوستانه کمک کند.

مدرسه و تولید فضای مدرسه‌ای

مدرسه نه تنها محیطی آموزشی است، بلکه فضایی است که باید به طور فعال و آگاهانه تولید و مدیریت شود تا تمامی جنبه‌های تربیتی، آموزشی، اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان را پوشش دهد. در این راستا، نظریه‌های هانری لوفور درباره تولید فضا می‌توانند به عنوان چارچوبی مهم برای درک و طراحی این فضاها مورد استفاده قرار گیرند. او معتقد است، فضای انسانی و زمان انسانی نیمی در طبیعت و نیمی در انتزاع است و انسان به شکل اجتماعی زیسته و تولید می‌شود. این دیدگاه به ما کمک می‌کند فضای مدرسه را نه تنها به عنوان یک ساختار فیزیکی، بلکه به عنوان یک موجود زنده و پویا که تحت تأثیر کنش‌های اجتماعی و فرهنگی قرار دارد، درک کنیم. اگر بخواهیم براساس این نظریه فضای تولیدشده مدرسه را طبقه‌بندی کنیم، به سه وجه زیر خواهیم رسید:

۱. **فیزیک فضایی:** این بعد فضا را به عنوان یک شکل فیزیکی می‌بیند که شامل ساختمان‌ها، محوطه‌ها و تجهیزات مدرسه هستند. در اینجا فضای فیزیکی مدرسه باید به گونه‌ای طراحی شود که از نظر ارگونومیک و زیبایی‌شناختی مناسب باشد و نیازهای دانش‌آموزان را برآورد.

۲. **بازنمایی‌های فضا:** این وجه شامل نقشه‌ها، برنامه‌ریزی‌های شهری و طراحی‌های معمارانه است که فضای مدرسه را به عنوان ساختاری ذهنی در نظر می‌گیرد. در اینجا مدیران و طراحان مدرسه باید به استفاده از دانش‌های رسمی و منطق معماری برای ایجاد فضایی مناسب توجه کنند.

۳. **فضاهای بازنمایی:** این بعد فضا را به عنوان موجودی زنده و نمادین می‌بیند که در طول زمان و با استفاده مداوم تولید و تغییر می‌کند. این جنبه شامل تجربه‌های روزمره دانش‌آموزان، تعامل اجتماعی و فرهنگی آن‌ها، و نمادگرایی موجود در فضا است.

فضای مدرسه باید به گونه‌ای طراحی و مدیریت شود که این سه وجه به طور هماهنگ با هم عمل کنند. برای مثال، فضای مدرسه نه تنها باید از نظر فیزیکی مناسب باشد، بلکه باید «نمادگرایی و معناهای فرهنگی و اجتماعی» نیز در آن نمایان باشد. این فضا باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان احساس کنند در محیطی حمایتی و پویا قرار دارند که از تمامی جنبه‌های زندگی آن‌ها حمایت می‌کند. به این ترتیب، مدیریت مدرسه باید فراتر از تمرکز بر مسائل آموزشی صرف، به ایجاد و مدیریت فضایی توجه کند که تمامی جنبه‌های تربیتی، اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان را پوشش دهد. این رویکرد می‌تواند به توسعه محیط یادگیری جامع و هماهنگ با نیازهای دانش‌آموزان کمک و آن‌ها را برای زندگی فردی و اجتماعی آماده کند.

مدرسه و مدیریت معمارانه

مدیریت معمارانه در مدرسه به معنای بهره‌گیری از اصول مشخصی است که به دنبال ایجاد و سازمان‌دهی فضایی است که بهینه‌ترین شرایط را برای یادگیری و تربیت دانش‌آموزان فراهم کند. این نوع مدیریت تأکید دارد فضای مدرسه تنها یک محیط فیزیکی نیست، بلکه به عنوان فضایی اجتماعی، فرهنگی و روانی در تجربه یادگیری دانش‌آموزان نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند.

در مدیریت معمارانه، اهمیت دارد که عناصر ثابت، نیمه ثابت و

غیر ثابت فضا به درستی در کنار هم قرار گیرند. عناصر ثابت شامل ساختمان‌ها و ساختارهای اصلی مدرسه هستند که به آهستگی تغییر می‌کنند. عناصر نیمه ثابت شامل مبلمان و تجهیزات قابل تغییرند که می‌توانند متناسب با نیازهای متفاوت، به سرعت تنظیم شود. عناصر غیر ثابت نیز شامل فعالیت‌ها و تعامل‌های اجتماعی روزمره در مدرسه است که سازمان‌دهی فضا و زمان آن‌ها را مدیریت می‌کند.

مروری بر ادبیات مدیریت فضا

در دنیای پیچیده و چندبعدی آموزش، بهره‌گیری از مطالعات بین‌رشته‌ای و مفاهیم حوزه‌های متفاوت علمی در مدیریت مدرسه، نه تنها ضروری بلکه اجتناب‌ناپذیر است. این رویکرد با ترکیب دانش و تخصص‌های متنوع، به غنای علمی و عملی مدیریت آموزشی می‌افزاید و امکان ایجاد فضایی پویا و کارآمد را فراهم می‌کند که در آن تمامی جنبه‌های وجودی دانش‌آموزان به بهترین شکل ممکن رشد می‌یابند و شکوفا می‌شوند. در ادبیات مدیریت آموزشی، مفهوم «جو مدرسه» به طور گسترده‌ای به کار رفته است. این مفهوم جنبه‌های روانی و اجتماعی محیط مدرسه و تأثیر آن را بر یادگیری و رفتار دانش‌آموزان



نگاهی به آینده و با توجه به تغییرات اجتماعی و اقتصادی، به دنبال ایجاد محیط‌هایی است که بتوانند به بهترین شکل ممکن به تربیت و آموزش دانش‌آموزان کمک کنند.

مدیریت فضا در مدرسه: بررسی تأثیرات ایدئولوژیک، اقتصادی و سیاسی

براساس مطالعه دویل و سوایتا (۲۰۱۹) می‌توان گفت، فضا در مدرسه محصول نیروهای ایدئولوژیک، اقتصادی و سیاسی است که به‌عنوان عاملی بنیادی در فهم نظام‌های سرمایه‌داری ایفای نقش می‌کنند. همان‌طور که زندگی روزمره تحت تأثیر سرمایه‌داری قرار گرفته است، فضای معماری مدرسه نیز از تبعات و تأثیرات جریان سرمایه‌داری مصون نمانده است. در واقع، هژمونی سرمایه‌داری از طریق هدایت منابع مالی به‌سوی ساخت‌وسازهای آموزشی، توسعه فضا و واپایش (کنترل) ساختار و طرح فضاهای مدرسه، نظم‌بخشی به جامعه را تضمین می‌کند (لوفور، ۱۹۹۱). براساس نظریه لوفور، فضای مدرسه به سه بعد یا فرایند دیالکتیکی تقسیم می‌شود: فضای ذهنی یا ایدئولوژیکی (قلمرو معماران و طراحان)، فضای فیزیکی یا طبیعی (محیطی که در آن زندگی می‌کنیم) و فضای اجتماعی (روابط اجتماعی و قدرت). این ابعاد به‌هم پیوسته و متداخل هستند و بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. به‌ویژه در مدرسه، این تعامل‌ها به شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان و روابط اجتماعی آن‌ها کمک می‌کند.

بنابراین، مدیریت معمارانه در مدرسه به دنبال ایجاد فضایی است که نه تنها از نظر فیزیکی مناسب باشد، بلکه از لحاظ اجتماعی و فرهنگی نیز غنی و الهام‌بخش باشد. این نوع مدیریت با استفاده از اصول معماری، به بهبود کیفیت محیط آموزشی و تربیتی مدرسه کمک می‌کند و به دانش‌آموزان امکان می‌دهد در فضایی پویا و متنوع به یادگیری بپردازند. ■

**مدیریت مدرسه
باید فراتر از تمرکز
بر مسائل آموزشی
صرف، به ایجاد و
مدیریت فضایی
توجه کند که تمامی
جنبه‌های تربیتی،
اجتماعی و فرهنگی
دانش‌آموزان را
پوشش دهد**

بررسی می‌کند. با این حال، «مدیریت فضا» یک مفهوم پردازی بین‌رشته‌ای است که برای مدیریت مدرسه از ادبیات حوزه معماری بهره می‌برد. این رویکرد در تلاش است فضاهای فیزیکی مدرسه را با هدف ایجاد محیطی مناسب برای یادگیری و پیشرفت همه‌جانبه دانش‌آموزان طراحی کند و بهبود بخشد. فضا در این رویکرد دیگر ساختاری عینی و منفعل در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه نتیجه‌ای از کنش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی لحاظ می‌شود. مدیریت فضا» مدرسه فضاهایی ایجاد می‌کند که براساس نیازها و تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان و معلمان طراحی شده‌اند و می‌توانند کیفیت آموزش و تربیت را بهبود بخشند. این رویکرد با استفاده از مفاهیم معماری، نظیر سازمان‌دهی فضا و طراحی محیط‌های آموزشی، به دنبال ایجاد فضایی است که نه تنها از نظر فیزیکی، بلکه از نظر اجتماعی و روانی نیز مناسب باشد. فضای مدرسه تحت تأثیر نیروهای ایدئولوژیک، اقتصادی و سیاسی شکل می‌گیرد. این نیروها به‌عنوان عاملی بنیادی در فهم و تحلیل نظام‌های سرمایه‌داری نقش ایفا می‌کنند و منابع مالی را به‌سوی توسعه فضاهای آموزشی هدایت می‌کنند. تسلط (هژمونی) سرمایه‌داری از طریق واپایش (کنترل) و طراحی فضاهای مدرسه، به تفکیک و نظم‌بخشی به جامعه کمک می‌کند و این فضاها را به‌گونه‌ای سازمان‌دهی می‌کند که به تحقق اهداف تربیتی و آموزشی کمک کند. براساس نظریه دیالکتیک فضای لوفور (۱۹۹۱)، فضای مدرسه می‌تواند به سه بعد یا فرایند تقسیم شود: فضای ذهنی یا ایدئولوژیکی، فضای فیزیکی یا طبیعی، و فضای اجتماعی.

در مدیریت فضا» مدرسه، این سه بعد به‌هم پیوسته و متداخل هستند و بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. این تعاملات به شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان و روابط اجتماعی آنان کمک می‌کنند و محیطی می‌سازند که به رشد همه‌جانبه آنان کمک می‌کند.

با این توصیف، مدیریت فضا» مدرسه با استفاده از مفاهیم بین‌رشته‌ای و بهره‌گیری از ادبیات حوزه معماری، به دنبال ایجاد فضاهایی است که بتوانند نیازهای فیزیکی، تربیتی و اجتماعی دانش‌آموزان را پاسخ دهند. این رویکرد جامع به تولید فضایی منجر می‌شود که علاوه بر برخورداری از ابعاد فیزیکی، ابعاد اجتماعی نیز داشته باشد و هویت و روابط اجتماعی دانش‌آموزان را تقویت کند. مدیریت فضا»

- منابع
1. Lefebvre, H. (1991). The Production Of Space. Trans. & ed. by Donald Nicholson-Smith. Oxford, England: WileyBlackwell
 2. Rapoport, A. (1977). Human Aspect Of Urban Form: Towards A Man Environment Approach To Urban Form And Design. Oxford: Pergamon Press.
 3. Soaita, A.M. C.Dewilde (2019). "A Critical-Realist View Of Housing Quality within The Post Communist EU States: Progressing Towards A Middle-Range Explanation". Housing, Theory and Society 36(1): 44-75

